



امام خامنه‌ای: حوزه علمیه مشهد مدیون آیت‌الله میلانی است

رهبان معظم انقلاب اسلامی فرمودند: آیت‌الله میلانی واقعاً احیاگر حوزه علمیه مشهد بود و این حوزه مدیون آن مرحوم است.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره بزرگداشت آیت‌الله سید محمدهادی میلانی در محل برگزاری این همایش در حرم مطهر رضوی منتشر شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار، ضمن قدردانی از برگزاری چنین کنگره‌ای، مرحوم آیت‌الله میلانی را یک شخصیت جامع‌الاطراف از لحاظ معنوی، اخلاقی، علمی و اجتماعی و سیاسی دانستند و تأکید کردند: آیت‌الله میلانی واقعاً احیاگر حوزه علمیه مشهد بود و این حوزه مدیون آن مرحوم است.

رهبر انقلاب، آیت‌الله میلانی را از لحاظ فردی، شخصی ممتاز و دارای وقار و متانت و در عین حال تواضع، وفاداری نسبت به دوستان و برخوردار از لطافت روحی و ذوق شعر توصیف کردند و افزودند: آن مرحوم از لحاظ علمی یک ملای بزرگ بود که از محضر اساتیدی همچون مرحوم نائینی و مرحوم شیخ محمدحسین اصفهانی بهره برده و در درس و بحث علمی خوش بیان بود و طلبه‌های فاضلی را پرورش می‌داد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای یکی دیگر از جنبه‌های شخصیتی آیت‌الله میلانی را اهل سلوک بودن آن مرحوم برشمردند و با اشاره به حضور ایشان در متن قضایای اجتماعی و سیاسی آن زمان گفتند: آقای میلانی در دوران شروع مبارزات در اوایل دهه چهل، حقایکی از ارکان نهضت اسلامی بود و در متن مسائل حضور داشت که سفر به تهران به همراه جمع دیگری از علما بعد از بازداشت امام خمینی (ره)، نمونه‌ای از حضور تأثیرگذار در مسائل سیاسی است.

رهبر انقلاب اعلامیه‌های قوی و متین و محکم آیت‌الله میلانی در حمایت از نهضت اسلامی را نمونه دیگری از حضور تأثیرگذار آن مرحوم در متن مسائل سیاسی دانستند و گفتند: نامه ایشان در حمایت از امام خمینی (ره) (بعد از تبعید امام به ترکیه، یک سند تاریخی است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: آیت‌الله میلانی بیا مبارزان و افراد کوناگون از جریان‌های مختلف سیاسی ارتباط داشت اما همواره از منتسب شدن به یک جریان سیاسی خاص بشدت پرهیز می‌کرد.

ایشان در پایان اظهار امیدواری کردند برگزاری این همایش زمینه‌ساز شناساندن شدن ابعاد شخصیتی آیت‌الله میلانی، به مردم باشد. در ابتدای این دیدار حجت‌الاسلام والمسلمین مروی توبیت‌آستان قدس رضوی گزارشی از اهداف همایش بزرگداشت آیت‌الله میلانی و کمیته‌های علمی آن و همچنین برگزاری پیش نشست‌ها در مشهد مقدس و کربلای معلی، ارائه کرد.



فاصله جدی افزایش ۲۰ درصدی حقوق‌ها با تورم

نائب رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شورایاهای مجلس، باانتقاد از افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان و بازنشستگان در لایحه بودجه ۱۴۰۵، گفت: این میزان فاصله‌ای جدی با تورم واقعی دارد و دولت باید تعیین منابع پایدار، زمینه افزایش عادلانه‌تر حقوق‌ها را به‌ویژه برای اقشار کم‌درآمد فراهم کند.

غلامرضا توکل در واکنش به لایحه بودجه ۱۴۰۵ مبنی بر افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان و بازنشستگان دولت، باالزام نگرانی از وضعیت معیشتی اقشار حقوق بگیر گفت: این ارقام باید در مسیر بررسی بودجه اصلاح شود.

نماینده مردم سرسوسان، گوار و خرامه در مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: در شرایطی که شاخص‌های اقتصادی نشان دهند تورم مستمر و هزینه‌های سکنین زندگی، به‌ویژه در حوزه مسکن، انرژی و کالاهای اساسی است، پیش‌بینی افزایش صرفاً ۲۰ درصدی حقوق‌ها، نه تنها یک گشایش محسوب نمی‌شود، بلکه می‌تواند به معنای کاهش قدرت خرید بیش از پیش بازنشستگان و کارمندان باشد.

ضرورت افزایش حقوق بر مبنای نرخ تورم واقعی

نائب رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شورایاهای مجلس شورای اسلامی با تأکید بر ضرورت حفظ کرامت کارمندان و بازنشستگان دولتی، تصریح کرد: دولت باید به این نکته توجه کند که افزایش حقوق باید بر مبنای نرخ تورم رسمی و واقعی تعریف شود. متأسفانه، تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که افزایش‌های ثابت و عمومی، شکاف میان درآمد‌ها و هزینه‌ها را عمیق‌تر می‌کند و کارمندان را وادار به دومین شغل برای تأمین معاش می‌کند.

وی افزود: مجمع نمایندگان استان فارس به عنوان صدای مردم این استان که بخش بزرگی از آن‌ها را کارمندان و بازنشستگان تشکیل می‌دهند، براین باور است که ۲۰ درصد افزایش، سقف موردنظر دولت برای کنترل هزینه‌های جاری است، اما پاسخگوی نیازهای معیشتی خانوارها نخواهد بود. نمایندگان مجلس با جدیت این سقف را مورد بازبینی قرار خواهند داد تا ضربت تعدیل حقوق، متناسب با افزایش هزینه‌های زندگی در سال آتی تنظیم شود.

تأثیر تصمیمات مالی بر بازار گاز و مطالبه عدالت در دستمزدها

توکل همچنین به تأثیر این تصمیم بر بازار گاز اشاره کرد و گفت: وقتی مبنای افزایش حقوق کارمندان دولت این میزان تعیین می‌شود، انتظار می‌رود شورای عالی گاز نیز در تعیین دستمزد کارگران، رویکردی متناسب با تورم در پیش گیرد.

این نااهمکنی مزمن در تعیین مرزها، موجب ایجاد بی عدالتی و فشار ضاعف بر جامعه کارگری و بازنشستگی کشور می‌شود.

نماینده مردم سرسوسان، گوار و خرامه در مجلس تأکید کرد: از رئیس جمهور و سازمان برنامه و بودجه انتظار می‌رود تا قبل از بررسی کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۵ در صحن علنی مجلس، با استفاده از منابع پایدار تر و بازبینی در سرفصل‌های غیر ضروری، منابعی برای افزایش عادلانه‌تر حقوق‌ها، به‌ویژه برای گروه‌های کم‌درآمد اختصاص دهند تا سفره مردم در سال آینده شاهد کوچک‌شد نباشد.

در پی نوسانات شدید بازار ارز، ۱۶۵ نماینده مجلس دوازدهم

با رسال نامه‌ای به سران سه قوه، سیاست‌های ارزی کشور را عامل تشدید تورم و تضعیف پول ملی دانستند و با انتقاد از افزایش نرخ ارز رسمی، راهکارهایی برای اصلاح حکمرانی ارزی ارائه کردند.

در روزهای اخیر که بازار ارز شاهد نوسانات شدید و افزایش قیمت‌ها بوده است، جمعی از نمایندگان مجلس دوازدهم با ارسال نامه‌ای تفصیلی به آقایان پزشکیان، قالیباف و محسنی اژه‌ای، سیاست‌های ارزی کشور را به پوته نقد گذاشتند.

نگارندگان این نامه معتقدند سیاست گذاری فعلی که نرخ‌های رسمی را به بهانه کاهش فاصله با بازار آزاد افزایش می‌دهد، عملاً به کزاتولید چرخه ویرانگر افزایش نرخ ارز تورم منجر شده و انگیزه بازگشت از صادراتی را کاهش داده است. متن پیش رو، مروری است بر استدلال‌های این نمایندگان که ضمن آسیب‌شناسی وضعیت موجود، راهکارهایی پنج‌گانه‌ای را برای تقویت پول ملی و اصلاح حکمرانی ارزی ارائه کرده‌اند.

نامه نمایندگان به سران قوادر خصوص اصلاح سیاست‌های ارزی

جناب آقای دکتر پزشکیان، رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران جناب آقای دکتر قالیباف، رئیس محترم مجلس شورای اسلامی حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای محسنی اژه‌ای، رئیس محترم قوه قضائیه

و سلام و تقدیم احترام؛

همان‌گونه که مستحضرد، در روزها و هفته‌های اخیر، بازار غیررسمی و قاچاق ارز با نوسانات شدید و افزایش قابل توجه نرخ مواجه بوده است. با توجه به اینکه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در فرآیند سیاست‌گذاری ارزی، دچار خطای راهبردی تبعیت از نرخ‌های شکل گرفته در بازار آزاد قاچاق در تعیین و تعدیل نرخ‌های رسمی شده است، درنتیجه، موج تازه‌ای از افزایش عمومی قیمت کالاهای و خدمات پدید آمده که پیامدهای مستقیم و ملموسی بر وضعیت معیشتی اقشار مختلف جامعه برای گذاشته و زمینه‌ساز بروز التهابات جدی اقتصادی و اجتماعی شده است. در این رابطه و با عنایت به اهمیت تبیین دقیق علل بروز تحولات اخیر در عرصه معیشت عمومی و ضرورت ارائه راهکارهای مؤثر و قابل اجرا برای مدیریت شرایط موجود، نکات و ملاحظات ذیل به استحضار می‌رسد:

الف. تحلیل وضع موجود

یکی از مؤلفه‌های بنیادین در بررسی پدیده تورم و نوسانات نرخ ارز، تبیین دقیق رابطه علی و معلولی میان تغییرات نرخ ارز و سطح عمومی قیمت‌هاست. بررسی تجربه نباشته پیش از سه دهه عملکرد اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به روشنی نشان می‌دهد که بالاترین نرخ‌های تورمی، عمدتاً در پی افزایش نرخ ارز-اعم از نرخ‌های رسمی و نرخ‌های شکل گرفته در بازار آزاد قاچاق، به وقوع پیوسته است.

شواهد تاریخی و تجربی مربوط به سال‌های ۱۳۷۴، ۱۳۹۰، ۱۳۹۸، و ۱۴۰۱ و همچنین سال گذشته، به‌طور معناداری مؤید این واقعیت است که افزایش نرخ ارز، یکی از عوامل اصلی و تعیین‌کننده در تشدید تورم و بی ثباتی اقتصادی کشور بوده و آثار آن به‌طور مستقیم در معیشت عمومی جامعه منعکس شده است.

در رویه‌های معمول سیاست‌گذاری، غالباً با این استدلال که فاصله میان نرخ ارز رسمی و نرخ‌های شکل گرفته در بازار آزاد و قاچاق، زمینه‌ساز ایجاد رانت، بروز فساد و کاهش انگیزه برای بازگشت ارزهای حاصل از صادرات غیرنفتی است، تصمیمات مربوط به افزایش نرخ ارز رسمی اتخاذ شده است. سپس و در پی این تصمیمات، افزایش نرخ ارز رسمی، به‌سرعت به افزایش



نامه هشدارآمیز ۱۶۵ نماینده مجلس به سران قوا

نرخ ارزهای رسمی، نرخ آزاد قاچاق و پیش‌بینی حدودی نرخ ارز رسمی و قاچاق در سال‌های آتی: (ارقام: ریال)

سال	نرخ ارز رسمی (ارز نامتبی کالاهای اساسی)	نرخ ارز رسمی (مرکز مبادله)	نرخ ارز قاچاق
۱۴۰۱	حذف ارز ۴۲۰۰۰	۲۷۳٬۸۹۲	۳۴۹٬۲۶۶
۱۴۰۲	۲۸۵٬۰۰۰ (حجم تأمین ۱۷٬۲ میلیارد دلار)	۳۸۲٬۴۰۶	۵۱۶٬۹۷۱
۱۴۰۳	۲۸۵٬۰۰۰ (حجم ۲۱۴ میلیارد دلار)	۵۱۰٬۹۱۱	۶۸۸٬۰۵۴
۱۴۰۴	۲۸۵٬۰۰۰ (حدود ۱۲ میلیارد دلار)	۱٬۰۰۰٬۰۰۰ (پیش‌بینی)	۱٬۴۰۰٬۰۰۰ (پیش‌بینی)
۱۴۰۵	۲۸۵٬۰۰۰ (در صورت حذف ارز کالاهای اساسی غیر از دارو)	۱٬۲۰۰٬۰۰۰ (پیش‌بینی)	۱٬۵۰۰٬۰۰۰ (پیش‌بینی)
۱۴۰۶	۷۰۰٬۰۰۰ (پیش‌بینی)	۱٬۳۰۰٬۰۰۰ (پیش‌بینی)	۱٬۷۰۰٬۰۰۰ (پیش‌بینی)
۱۴۰۷	۷۰۰٬۰۰۰ (پیش‌بینی، کاهش اقلام کالاهای مشمول)	۱٬۵۰۰٬۰۰۰ (پیش‌بینی)	۲٬۰۰۰٬۰۰۰ (پیش‌بینی)

سطح عمومی قیمت‌ها به‌ویژه قیمت کالاهای اساسی و ضروری منجر شده و موج جدیدی از فشارهای تورمی را در اقتصاد ایجاد کرده است.

تداوم این روند و تشدید تورم، تحریک انتظارات تورمی در میان فعالان اقتصادی، موجب تسریع فرآیند جایگزینی ریال با انواع دارایی‌ها از جمله ارز، انواع مسکوکات و طلا آّب‌شده، دارایی‌های مبتنی بر طلا و همچنین دارایی‌های رمزنگاری شده می‌شود. این تغییر رفتار اقتصادی، به نوبه خود، تقاضای سفته‌بازانه در بازار آزاد قاچاق ارز را افزایش داده و به تشدید نوسانات و رشد مجدد نرخ ارز در این بازار دامن می‌زند.

در چنین شرایطی، اقتصاد کشور و متغیر نرخ ارز در وضعیتی نامطلوب‌تر از شرایط پیشین قرار گرفته و چرخه معیوب ویرانگر نرخ ارز تورم به‌صورت مستمر و تکرار شونده با توتلید می‌گردد. در جدول مندرج در ادامه، نرخ ارز رسمی اختصاص یافته به تأمین کالاهای اساسی، نرخ ارز رسمی مربوط به واردات مواد اولیه تولید و ماشین آلات صنعتی و نیز نرخ‌های شکل گرفته در بازار آزاد قاچاق از ابتدای سال ۱۴۰۱ تاکنون ارائه شده است. افزون بر این، برآورد تحلیلی و پیش‌بینی ما از روند احتمالی نرخ ارز رسمی و نرخ بازار آزاد قاچاق در سال‌های آتی، در فرض تداوم چرخه مخرب نرخ ارز، تورم، نیز منعکس گردیده است.

بررسی تحولات اخیر سیاست ارزی بانک مرکزی، به‌ویژه در حوزه مدیریت ارزهای حاصل از صادرات غیرنفتی، نشان می‌دهد که با افزایش نرخ ارز رسمی و به تبع آن رشد نرخ‌های بازار آزاد قاچاق، رفتار صادرکنندگان به‌گونه‌ای تغییر یافته که با هدف کسب ریال بیشتر از هرواحد ارز، انگیزه و تمایل آنان برای عرضه و بازگشت ارزهای صادراتی به چرخه رسمی اقتصاد کاهش یافته است.

داده‌ها و ارقام مندرج در جدول زیر، این تحلیل را به‌طور معناداری تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که هم‌زمان با افزایش نرخ ارز رسمی در سال‌های گذشته، شاخص‌هایی نظیر درصد تعهدات ارزی سررسید شده اِیفاننشده نسبت به کل تعهدات و همچنین درصد عدم بازگشت از حاصل از صادرات نسبت به کل صادرات روندی افزایشی به خود گرفته است؛ امری که بیانگر تشدید ناکارآمدی سیاست‌های اتخاذ شده و تعمیق اختلال در نظام ارزی کشور است.

حذف ارز نیما و استقرار نرخ جدید از تجاری در قالب تالار یک مرکز مبادله در سال ۱۴۰۳ و همچنین ایجاد تالار دو با نرخی بالاتر و نزدیک‌تر به نرخ‌های شکل گرفته در بازار آزاد قاچاق در سال جاری، در عمل به تشدید روند افزایشی دو شاخص مهم درصد تعهدات ارزی سررسید شده اِیفاننشده نسبت به کل تعهدات و درصد عدم بازگشت از حاصل از صادرات نسبت به کل صادرات منجر شده است.

تحلیل داده‌ها به روشنی نشان می‌دهد هر میزان که بانک مرکزی

چه در واکنش به فشارهای مقطعی و چه با هدف نزدیک‌سازی نرخ‌های رسمی به نرخ‌های بازار آزاد و قاچاق، اقدام به افزایش نرخ ارز رسمی در قالب سازوکارهایی نظیر نرخ نیما، تالار یک و دو تجاری و سایر رویه‌های مشابه می‌نماید، نه تنها نرخ ارز در

صادرات غیرنفتی و عدم بازگشت ارزهای آن

سال	جمع مبلغ صادرات (یورو)	جمع مبلغ تعهد (یورو)	جمع تعهدات سررسید شده اِیفاننشده (یورو)	درصد تعهدات سررسید شده اِیفاننشده به مبلغ تعهد	جمع عدم بازگشت ارز از کل صادرات (یورو)	درصد عدم بازگشت ارز از کل صادرات
۱۳۹۷	۳۰٬۵۰۷٬۸۰۱٬۵۳۶	۲۳٬۶۹۴٬۴۸۴٬۶۵۷	۵٬۴۴۹٬۵۴۱٬۵۰۸	۲۳٫۰	۱۱٬۹۷۱٬۲۹۵٬۵۰۴	۳۹٫۲
۱۳۹۸	۲۹٬۱۶۳٬۰۸۱٬۰۶۱	۲۵٬۴۳۱٬۸۹۴٬۲۷۳	۵٬۰۶۵٬۶۸۹٬۶۹۳	۱۹٫۹	۸٬۴۶۸٬۵۶۷٬۱۱۸	۲۹٫۰
۱۳۹۹	۲۴٬۸۳۳٬۷۸۶٬۸۸۰	۲۱٬۶۳۴٬۸۶۴٬۵۷۷	۴٬۲۶۰٬۳۴۷٬۸۱۲	۱۹٫۷	۷٬۱۶۸٬۵۸۲٬۴۳۷	۲۸٫۹
۱۴۰۰	۳۹٬۲۳۷٬۶۰۴٬۸۷۰	۳۳٬۷۲۰٬۹۴۸٬۲۰۷	۵٬۲۸۶٬۹۱۲٬۲۳۹	۱۵٫۷	۱۰٬۱۴۰٬۶۷۹٬۰۹۴	۲۵٫۸
۱۴۰۱	۴۵٬۹۴۸٬۸۸۹٬۵۴۸	۴۰٬۴۴۴٬۵۴۳٬۳۸۹	۷٬۸۹۴٬۲۹۷٬۲۵۸	۱۹٫۵	۱۲٬۶۵۵٬۳۰۴٬۴۴۴	۲۷٫۵
۱۴۰۲	۴۳٬۲۷۹٬۰۹۲٬۲۵۱	۳۹٬۶۹۰٬۲۹۴٬۱۱۱	۱۰٬۶۹۵٬۳۱۶٬۱۳۵	۲۶٫۹	۱۴٬۰۶۰٬۷۷۴٬۷۷۷	۳۲٫۵
۱۴۰۳	۴۷٬۴۲۸٬۱۵۸٬۴۴۱	۴۵٬۱۳۸٬۵۷۰٬۸۸۹	۱۷٬۳۸۶٬۹۶۳٬۱۴۸	۳۸٫۵	۱۹٬۵۵۴٬۶۹۵٬۹۷۴	۴۱٫۲
۱۴۰۴	۲۶٬۲۷۲٬۹۶۷٬۹۵۷	۲۵٬۰۹۱٬۴۷۹٬۷۶۴	۹٬۲۲۹٬۵۲۳٬۲۴۰	۳۶٫۸	۱۶٬۵۲۰٬۴۷۲٬۹۲۸	۶۲٫۸
مجموع (به یورو)	۲۸۶٬۶۷۱٬۳۸۲٬۴۴۴	۲۵۴٬۸۲۳٬۰۷۹٬۸۶۷	۶۵٬۲۶۸٬۴۹۰٬۰۳۳	۲۵٫۶	۱۰۰٬۵۲۳٬۰۰۶٬۲۷۶	۳۵٫۱
مجموع (به دلار)	۳۳۵٬۴۰۵٬۵۱۷٬۶۹۳	۲۹۸٬۱۵۹٬۳۸۳٬۴۴۴	۷۶٬۳۶۴٬۱۳۳٬۲۳۹	۲۵٫۶	۱۱۷٬۶۱۱٬۹۱۷٬۳۴۳	۳۵٫۱

غالب، نقش تعیین‌کننده‌ای در تشدید تورم ایفا نکرده است.

۲- مطابق آمارهای پولی و اعتباری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در بازه زمانی مردادماه ۱۴۰۳ تا مردادماه سال جاری، بیشترین سهم در رشد پایه پولی به ترتیب به خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و مطالبات بانک مرکزی از بانک‌ها اختصاص داشته است که سهم در رشد پایه پولی این دو مؤلفه به ترتیب حدود ۱۱٫۶ درصد و ۱۴٫۷ درصد گزارش شده و ارتباط مستقیمی با کسری بودجه دولت ندارد.

عامل اصلی افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، رشد ذخایر طلا به میزان تقریبی ۸ میلیارد دلار، به جای دریافت ارز حاصل از صادرات غیرنفتی، بوده است. علاوه بر این، افزایش بدهی دو بانک سپه و آینده به بانک مرکزی، از عوامل مؤثر در رشد پایه پولی محسوب می‌شود. در مقابل، سهم در رشد مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی در پایه پولی، منفی ۴ درصد بوده که خودمؤید عدم نقش آفرینی کسری بودجه دولت در افزایش پایه پولی در دوره مذکور است.

افزون بر موارد فوق، بررسی ترکیب نقدینگی بر حسب عوامل مؤثر بر عرضه آن نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد از نقدینگی موجود، ناشی از مطالبات شبکه بانکی از بخش غیردولتی در قالب تسهیلات بانکی بوده است؛ در حالی که سهم خالص مطالبات شبکه بانکی از بخش دولتی، صرفاً حدود ۱۰ درصد برآورد می‌شود.

براین اساس، انتساب افزایش نقدینگی به کسری بودجه دولت، فاقد پشتوانه معتبر آماری و تحلیلی بوده و این گزاره، بر مبنای داده‌ها و اطلاعات رسمی منتشرشده از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، قابل تأیید نمی‌باشد. عامل اصلی افزایش مطالبات شبکه بانکی از بخش غیردولتی، رشد نرخ ارز و متعاقب آن تشدید تورم بوده است.

افزایش سطح تورم، با بالا بردن سطح عمومی قیمت‌ها، نیاز به نگاه‌های تولیدی و همچنین مصرف‌کنندگان را به نقدینگی بیشتر، به‌منظور حفظ فعالیت‌های اقتصادی و ایفای تعهدات جاری، به‌طور قابل توجهی افزایش می‌دهد.

به بیان دیگر، در شرایط کنونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، رشد نقدینگی عمدتاً پیامد و معلول تورم فراینده است و نه علت بنیادین و اولیه آن.

اعلام کسری بودجه و نقدینگی به عنوان ریشه اصلی تورم، در شرایط فعلی آدرس غلط دادن به مسئولان کشور است.

اینکه به بهانه ایجاد تورم، حقوق کارمندان و بازنشستگان را کمتر از تورم افزایش دهیم، سیاست غلط و معیشت‌سوزی است و باید به ریشه اصلی تورم، یعنی افزایش بی‌قاعده نرخ ارز و اصلاح نظام ارزی شانور رها شده "کشور بپردازیم.

ج. ارائه راهکار برای تقویت پول ملی و خروج از چرخه مخرب افزایش نرخ ارز تورم

در راستای اصلاح سیاست‌های ارزی کشور، پیشنهاد جامعی برای بازنگری در رویه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت وجود دارد که در ادامه، به بخشی از سیاست‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت اشاره می‌گردد:

تداوم تأمین ارز به نرخ ۵۰۰٫۲۸ تومان برای کالاهای اساسی و استقرار سامانه هوشمند رصد نزجیره تأمین به‌منظور تضمین عرضه کالاهای به نرخ مصوب به مصرف‌کننده نهایی.

شایان ذکر است که برخلاف پروپاگاندا و تحلیل‌های نادرست منتشرشده در خصوص نرخ ۵۰۰٫۲۸ تومانی، داده‌های مستند و متقن حاکی از آن است که نرخ ارز، به‌طور مستقیم و اثربخش به تأمین کالاهای اساسی اختصاص یافته و نقش مهمی در تعادل بخشی به سبد معیشتی خانوارها ایفا کرده است.

اطلاعات و اسناد مربوط به این موضوع، نژاد این جمع نمایندگان محترم محفوظ می‌باشد و در صورت ضرورت و نیاز، ارائه خواهد شد.

در شرایط فعلی در خصوص این پیشنهاد، دو راهبرد عمده پیش روی سیاست‌گذاران قرار دارد:

راهبرد نخست: حذف ارز ۵۰۰٫۲۸ تومان برای کالاهای اساسی و جایگزینی آن با کالابرگ اختصاصی به مردم.

تجربه عملی نشان می‌دهد که حذف این نرخ، موجب افزایش تورم و تشدید انتظارات تورمی خواهد شد و درنتیجه، ارائه کالابرگ قطعاً نمی‌تواند اثر افزایش قیمت‌ها را جبران کند.

به تبع آن، چرخه مخرب نرخ ارز-تورم تشدید شده و نرخ ترجیحی دیگری با سطح بالاتر (برای مثال ۰۰۰٫۰۰ تومان) جایگزین نرخ ۵۰۰٫۲۸ تومان خواهد شد؛ روندی که در سال‌های آتی نیز هدف حذف آن خواهد بود.

تجربه سال ۱۴۰۱ نیز مؤید این نکته است که این راهبرد به شکست انجامیده و رکورد تورم چهار دهه اخیر را شکسته است.

راهبرد دوم: تداوم تأمین ارز ۵۰۰٫۲۸ تومان از طریق بانک مرکزی با افزایش پایه پولی.

توجه: لازم به ذکر است که در صورتی که تأمین ارز مذکور از دارایی‌های خارجی بانک مرکزی صورت پذیرد و به‌دلی دولت به بانک مرکزی منتقل شود، پایه پولی و عرضه پول تغییر نخواهد کرد و صرفاً ترکیب دارایی‌های بانک مرکزی دچار تغییر خواهد شد.

بررسی‌های علمی و تجربی نشان می‌دهد که هروا راهبرد، به‌ویژه در صورت افزایش پایه پولی، آثار منفی بر تورم و رشد اقتصادی دارند؛ به‌این حال، آثار منفی راهبرد دوم به مراتب کمتر از راهبرد نخست است و می‌توان آن را به عنوان انتخاب بد نسبت به بدتر ارزیابی نمود.

۲- لغو مصوبه ۱۴۰۴/۸ هیات وزیران در خصوص واردات کالاهای اساسی با منشأ بدون انتقال ارز. اجرای این مصوبه، ضمن افزایش نرخ ارز در بازار آزاد و قاچاق، آثار مثبت نرخ ارز ۵۰۰٫۲۸ تومان بر معیشت و سفره مردم را نیز از بین خواهد برد و بی ثباتی اقتصادی را تشدید می‌کند.

۳- تقویت حکمرانی ارزی و ارتقای حاکمیت ریال با هدف حذف رقبای پول ملی، شامل ارز مسکوکات، طلا آّب‌شده، دارایی‌های رمزنگاری شده و سایر دارایی‌های جایگزین، از طریق اجرای دقیق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، الزام صادرکنندگان به بازگشت ارز حاصل از صادرات از اعمال دقیق مقررات مرتبط با پول شویی.

۴- تصویب و اجرای طرح تقویت پول ملی و سرمایه‌گذاری در تولید با هدف اصلاح قوانین و مقرراتی که اقتصاد داخلی را به نرخ ارز و قیمت‌های جهانی متصل کرده‌اند و به‌طور هم‌زمان تقویت حاکمیت ریال.

۵- تکمیل و توسعه پیگاه‌های اطلاعاتی اقتصادی و اجرای کامل ماده ۱۶۹ مکرر قانون اصلاح مالیات‌های مستقیم، به همراه تکمیل بهره‌برداری از پایانه‌های فروشگاه‌های و سامانه مؤدیان، به منظور رصد دقیق و اشراف بر فعالیت‌های اقتصادی و تقویت کارآمدی نظام مالیاتی.

۶- تعیین و اعمال نرخ مناسب ارز (نرخ تک‌نرخ) در اقتصاد رسمی کشور، به‌منظور ایجاد شفافیت و ثبات در بازارهای رسمی و جلوگیری از نوسانات کاذب.

۷- کاهش نرخ بهره بانکی و قیمت‌گذاری مناسب حامل‌های انرژی (از جمله برق، بنزین، گازوئیل و سایر انرژی‌ها) پس از اجرای اصلاحات قاچاق کالا و ارز، الزام صادرکنندگان به بازگشت ارز از رشد اقتصادی پایدار.

باتجدیداحترام،

جمعی از نمایندگان مردم شریف ایران در دوره دوازدهم مجلس شورای اسلامی

زندگی افشار آسیب پذیر محدود خواهد بود. در عمل، بخشی از افزایش مستمری ها صرف جبران رشد قیمت کالاهای اساسی می شود و توان بهبود سطح رفاه را به طور معنادار افزایش نمی دهد.

انتظارات تورمی و اعتماد عمومی

فراتر از اعداد، بودجه ۱۴۰۵ حامل پیام هایی برای جامعه است. رشد بالای مالیات، افزایش قیمت انرژی و اتکای دولت به اوراق بدهی، این تصور را تقویت می کند که فشار تأمین منابع بودجه ای به طور غیرمستقیم به مردم منتقل خواهد شد. چنین برداشتی می تواند انتظارات تورمی را تشدید کند؛ حتی اگر سیاست گذار به دنبال مهار تورم باشد. تجربه اقتصاد ایران نشان داده است که انتظارات، نقش تعیین کننده ای در رفتار مصرف کنندگان و قیمت ها دارد و در این زمینه، اعتماد عمومی به پایداری سیاست های اقتصادی اهمیت بالایی دارد.

شکاف میان رشد رشد حقوق و افزایش قیمت ها پابرجاست. کاربران رحیمی، کارشناس اقتصاد ایران، در گفت وگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری فارس گفت: افزایش ۲۰ درصدی حقوق از نظر اسمی قابل توجه است، اما مسئله اصلی مقایسه آن با تورم انتظاری و سطح هزینه های زندگی است. این کارشناس اقتصادی ادامه داد: اگر تورم سال آینده در سطوح بالاتر از این افزایش تثبیت شود، در عمل قدرت خرید خانوارها تغییر محسوسی نخواهد کرد و حتی ممکن است کاهش یابد. تجربه سال های اخیر نشان می دهد شکاف میان رشد حقوق و رشد قیمت ها همچنان پابرجاست. وی افزود: بودجه ۱۴۰۵ از منظر روش تأمین مالی، ضدتورمی نوشته شده؛ دولت تلاش کرده کسری بودجه را از مسیر مالیات و اوراق بدهی جبران کند و کمتر به منابع مستقیم بانک مرکزی متوسل شود. این رویکرد در تئوری ضدتورمی است، اما در عمل باید دید افزایش مالیات و هزینه انرژی چه اثری بر قیمت تمام شده کالاهای می گذارد. اگر این هزینه ها به مصرف کننده منتقل شود، اثر ضدتورمی بودجه تضعیف می شود. رحیمی تأکید کرد: مالیات های مستقیم معمولاً اثر محدودتری بر معیشت دارند، اما مالیات های غیرمستقیم مثل مالیات بر ارزش افزوده مستقیماً روی سبد مصرف خانوار می شنیند. وقتی بودجه با رشد بالای درآمد های مالیاتی بسته می شود، حتی اگر هدف مقابله با فرار مالیاتی باشد، در نهایت بخشی از فشار آن به مصرف کننده منتقل خواهد شد. این استاد دانشگاه درباره پیام بودجه ۱۴۰۵ برای خانوارها تصریح کرد: پیام اصلی این است که دولت به دنبال کنترل کسری بودجه و ثبات مالی است، اما تان مانور محدودی برای بهبود واقعی معیشت دارد. اگر سیاست های مکمل مثل کنترل تورم، ثبات ارزی و حمایت هدفمند اجرا نشود، اثر مثبت افزایش حقوق ها خیلی زود توسط افزایش هزینه ها خنثی می شود.

در بودجه ۱۴۰۵، افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان دولت و افزایش ۳۵ درصدی حقوق بازنشستگان پیش بینی شده و حداقل حقوق ماهانه به ۱۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان رسیده است. این افزایش در ظاهر نشانه توجه دولت به معیشت حقوق بگیران است، اما مقایسه آن با واقعیت های تورمی تصویر متفاوتی ارائه می دهد

انتظار معیشتی از بودجه ۱۴۰۵

اگر بودجه ۱۴۰۵ بدون تغییر تصویب و اجرا شود، می توان انتظار داشت، افزایش حقوق ها بخشی از فشار معیشتی را جبران کنند، اما عقب ماندگی سال های گذشته را پوشش ندهد. رشد مالیات و هزینه انرژی، از مسیر قیمت ها دوباره به سبد خانوار بازگردد. حمایت های اجتماعی از نظر اسمی افزایش یابد، اما اثر واقعی آن محدود بماند. در نهایت، مسیر تورم بیش از آنکه به اعداد بودجه وابسته باشد، به نحوه اجرا و مدیریت انتظارات اقتصادی گره بخورد.

افزایش ۲۰ درصدی حقوق مشکل کارکنان را حل نمی کند

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ باید به طور جدی معیشت مردم را هدف قرار دهد، گفت: اهداف بودجه باید کاملاً شفاف، روشن و دقیق تعریف شود و بودجه سال ۱۴۰۵ باید محوریت مردم را در دستور کار داشته باشد. حمیدرضا حاجی بابایی، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، در خصوص آخرین وضعیت لایحه بودجه ۱۴۰۵ گفت: لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ به مجلس تقدیم شده و مجلس بررسی های جدی و دقیقی را آغاز کرده است. بودجه سال آینده باید معیشت محور باشد، بتواند پاسخگوی تورم روزافزون باشد، تورم را مهار کند و افشار کم درآمد جامعه و همچنین کارمندان و کارگران حمایت مؤثر به عمل آورد.

وی با انتقاد از میزان افزایش حقوق ها در لایحه بودجه گفت: افزایش ۲۰ درصدی حقوق نمی تواند مشکلات معیشتی کارمندان و کارگران را حل کند. علاوه بر این، افشار کم درآمدی که کارمند نیستند نیز شرایط مشابهی دارند و باید به طرق مختلف مورد حمایت قرار گیرند. بر همین اساس، مجلس بررسی جدی را آغاز کرده و اگر به این جمع بندی برسیم که این بودجه قادر به تحقق اهداف مورد نظر نیست، ناچار خواهیم بود ان را برای اصلاح منابع، مصارف و اهداف به دولت بازگردانیم.

نایب رئیس مجلس تأکید کرد: اهداف بودجه باید کاملاً شفاف، روشن و دقیق تعریف شود و بودجه سال ۱۴۰۵ باید محوریت مردم را در دستور کار داشته باشد. این موضوع به صورت مستمر در حال بررسی است و کمیسیون های تخصصی بررسی های خود را آغاز کرده اند. کلیات بودجه نیز روزی روزگاری به صحن مجلس مطرح خواهد شد تا درباره آن جمع بندی نهایی صورت گیرد. حاجی بابایی در ادامه و به پاسخ به پرسشی درباره تعیین تکلیف نیروهای شرکتی گفت: طرح تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی به دلیل مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی و ایجاد بار مالی بدون موافقت دولت، با مخالفت دولت روبرو شده و به مجلس بازگشت و در حال حاضر قابلیت اجرا ندارد. با این حال، مجلس مسیر جایگزین و عملیاتی دیگری را دنبال کرده است.

وی افزود: در جلسه ای با حضور حدود ۱۰۰ نفر از نمایندگان مجلس و آقای رفیع زاده، رئیس امور استخدامی کشور، به این جمع بندی رسیدیم که مرحله ای از مطالبات نیروهای شرکتی که نیاز به قانون جدید ندارد، اجرایی شود. بر اساس قانون نامه هفتم، توسعه، حقوق و دستمزده باید به نفع نفع نهایی پرداخت شود و دولت موظف است حقوق نیروهای شرکتی را مستقیماً به حساب خود ان ها واریز کند.

نایب رئیس مجلس تصریح کرد: این موضوع از سوی رئیس امور استخدامی کشور پذیرفته شده و قرار است روند اجرایی آن در دولت آغاز شود. اگر این اقدام به طور کامل اجرا شود، حدود ۲۰ درصد از آنچه نیروهای شرکتی مطالبه می کنند، محقق خواهد شد. حتی هفته گذشته نیز ایشان تماس گرفت و اعلام کرد که پیگیر اجرای این موضوع است.



بودجه ۱۴۰۵ از نگاه معیشت؛ دخل خانوار زیر فشار اعداد

در سال های اخیر، نرخ تورم سالانه در سطوحی بالاتر از افزایش حقوق تثبیت شده و نتیجه آن، کاهش مستمر قدرت خرید بوده است. حتی اگر فرض شود تورم سال ۱۴۰۵ کاهش یابد که رئیس سازمان برنامه آن را رد کرد، فاصله میان حداقل حقوق و هزینه های واقعی زندگی، به ویژه در شهرهای بزرگ، همچنان چشمگیر باقی می ماند.

مالیات: فشار پنهان بر سبد خانوار

بودجه ۱۴۰۵ به طور معناداری بسر افزایش درآمد های مالیاتی تکیه دارد؛ به طوری که درآمد مالیاتی دولت با رشدی بیش از ۶۰ درصد به حدود ۲ هزار و ۹۶۱ همت رسیده است. اگرچه بخش مهمی از این افزایش از محل گسترش پایه های مالیاتی و کاهش معافیت ها پیش بینی شده، اما تجربه سال های گذشته نشان می دهد مالیات های غیرمستقیم بیشترین اثر را بر مصرف کنندگان نهایی دارد. افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده برای تأمین منابعی مانند هسسان سازی حقوق بازنشستگان و اجرای کالابرگ، در نهایت خود را در قیمت کالاهای و خدمات نشان می دهد. به این ترتیب، حتی خانوارهایی که افزایش حقوق دریافت می کنند، ممکن است بخش قابل توجهی از این رشد درآمد را از مسیر افزایش قیمت ها از دست بدهند.

انرژی و تورم هزینه ای: اثر دو مینو بار

یک جنگ رسانه ای همدفند، انتظارات تورمی را به شدت افزایش داده و تقاضای سوداگران در بازار غیررسمی را تقویت کرده است. این کارشناس اقتصادی تأکید کرد: افزایش انتظارات تورمی و تقاضای سوداگرانه، فشارهای ناشی از نیاز واقعی ارزی را تشدید می کند. در نهایت، کلید آرامش بازار ارز در ثبات بخشی به فرآیند تأمین ارز نهفته است و ایجاد این ثبات نه تنها جلوی نوسانات شدید را می گیرد، بلکه زمینه ساز بهبود اعتماد و شرایط کلی اقتصادی خواهد بود.

تدابیر اخیر بانک مرکزی از جمله مسدودسازی حساب های مشکوک، تسریع تخصیص ارز به سفارش های زیر ۱۰۰ هزار دلار و برخورد با موارد پول شویی و اخلاخل در جای خود مثبت ارزیابی می شود

در حالی که مجلس ارائه شده که اقتصاد لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ در حالی به مجلس ارائه شده که اقتصاد ایران همچنان با تورم ۴۰ درصدی، کاهش قدرت خرید و بی ثباتی انتظارات اقتصادی دست و پنجه نرم می کند. در چنین شرایطی، مهم ترین پرسش افکار عمومی این است که اگر این بودجه بدون تغییر تصویب و اجرا شود، چه اثری بر معیشت خانوارها و مسیر تورم خواهد گذاشت؟ بررسی اعداد و احکام بودجه نشان می دهد دولت تلاش کرده میان کنترل کسری بودجه و پاسخ به مطالبات معیشتی تعادل برقرار کند، اما فاصله میان این دو هدف همچنان قابل توجه است.

افزایش حقوق: جبران یا عقب ماندگی؟

در بودجه ۱۴۰۵، افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان دولت و افزایش ۳۵ درصدی حقوق بازنشستگان پیش بینی شده و حداقل حقوق ماهانه به ۱۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان رسیده است. این افزایش در ظاهر نشانه توجه دولت به معیشت حقوق بگیران است، اما مقایسه آن با واقعیت های تورمی تصویر متفاوتی ارائه می دهد.

دولت به دولت بازگردد؛

دلایل جهش دوباره دلار؛ از واردات بدون انتقال ارز تا انتظارات تورمی

نوسانات شدید نرخ دلار در بازار غیررسمی، بار دیگر اقتصاد ایران را ملتهب کرده است. یک کارشناس اقتصادی، ریشه این بی ثباتی را ترکیبی از تحولات خارجی و اختلال های داخلی در تأمین و تخصیص ارز می داند. نوسانات شدید نرخ دلار در روزهای اخیر بار دیگر بازار ارز ایران را به مرز بی ثباتی کشانده است. کارشناسان اقتصادی ریشه این نوسانات را در ترکیب پیچیدای از عوامل داخلی و خارجی می دانند؛ از سیاست های ارزی جالبشی و کاهش درآمد های صادراتی تا تشدید تحریم ها و تنش های ژئوپلیتیک. در این میان، مصوبه واردات بدون انتقال ارز نیز به عنوان عاملی که تقاضا را به سمت بازار غیررسمی سوق داده، مورد انتقاد قرار گرفته است.

گزارش پیش رو بر اساس تحلیل میره های رهگشای کارشناس اقتصادی، به واکاوی لایه های پنهان این بی ثباتی و مسیر احتمالی خروج از آن می پردازد. میره های رهگشای، کارشناس مسائل اقتصادی، در تحلیل نوسانات اخیر نرخ دلار در بازار غیررسمی، عوامل مؤثر را به دو گروه درونی و بیرونی تقسیم کرد. وی تصریح کرد: مهم ترین عامل داخلی، افزایش تقاضا برای واردات در شرایطی است که درآمد های ارزی کشور به دلیل مشکلات صادراتی اعم از عدم بازگشت ارزهای صادراتی کاهش یافته است. در این میان، مصوبه واردات بدون انتقال ارز نیز به عنوان عاملی که تقاضا را به سمت بازار غیررسمی سوق داده، مورد انتقاد قرار گرفته است.

این کارشناس اقتصادی گفت: علاوه بر این، صدور مجوز واردات بدون ثبت منشأ ارز در مناطق مرزی و همچنین ساماندهی گارت های بازگانی مشکوک که در کوتاه مدت عرضه ارز را کاهش داده، تقاضا را بیشتر به سمت بازار غیررسمی سوق داده که باعث نوسانات شده است. رهگشای با اشاره به راهکار اصلی در این زمینه تأکید کرد: ثبات و پایداری در فرآیند تأمین ارز می تواند مهم ترین عامل کنترل نوسانات بازار باشد. تأمین ارز به صورت منظم و بدون اختلال (که البته بانک مرکزی به تنهایی در این زمینه مسئول نیست و نهادهای دولتی دیگری نیز مسئولیت دارند)، لازمه اساسی آرامش و ثبات در بازار



سؤال از پزشکيان در مجلس کليد خورد

نماینده قم در مجلس شورای اسلامی از کلید خوردن طرح سؤال از مسعود پزشکيان رئيس جمهور در مجلس خبردار.

حجت الاسلام مجتبی ذوالنور نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی در گفت وگو با خبرنگار پارلمانی خبرگزاری تسنیم، با طرح سؤال جمعی از نمایندگان از مسعود پزشکيان رئيس جمهور در مجلس خبردار. وی افزود: وضعیت اقتصادی کشور محور سؤال این نمایندگان مجلس از رئیس جمهور است. نماینده قم در مجلس با بیان اینکه برای کلید خوردن طرح سؤال از رئیس جمهور به امضای ۷۳ نماینده نیاز است تا فرآیند سؤال آغاز شود، گفت: استقبال از طرح سؤال از رئیس جمهور خوب بوده و تلاش خواهیم کرد تا تعداد امضاها بیش از ۷۳ باشد تا اگر به هر دلیلی تعدادی از نمایندگان امضاها ی خود را پس گرفتند، تعداد امضاها از حد نصاب پایین تر نیاید. ذوالنور بیان کرد: در روزهای یکشنبه و دوشنبه هفته آینده روند جمع آوری امضاها تکمیل خواهد شد و طرح سؤال از رئیس جمهور تعیین تکلیف خواهد شد تا برای طی کردن روند قانونی تقدیم هیات رئیسه مجلس شود. به گزارش تسنیم، به موجب طرح اصلاح مواد ۱۹۶ و ۱۹۷ آیین نامه داخلی مجلس که در اردیبهشت ماه سال ۹۱ به تصویب رسید و بر اساس اصل ۸۸ قانون اساسی هرگاه در خصوص کار و وظائف رئیس جمهور یا هر یک از وزرا ابهاماتی برای مجلس پیش آید یا مجلس نیاز به تنویر مسائلی داشته باشد، قوه مقننه قانوناً چهار راه عمده در پیش دارد تا از انبام درآمده و قانع شود. این چهار راه عبارتند از: تذکر، سؤال، استیضاح و تحقیق و تعحص.

منبع اصلی که حق مجلس را در طرح سؤال از رئیس جمهور مشخص می کند اصل ۸۸ قانون اساسی است که بر اساس آن در هر موردی که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول درباره یکی از وظائف آنان سؤال کنند، رئیس جمهور یا وزیر مربوطه موظف است در مجلس حاضر شده و به سؤال جواب دهد.

برابر این اصل، رئیس جمهور اختیاری در پاسخ دادن یا ندانن به سؤال نمایندگان ندارد، بلکه موظف است به سؤال آنها پاسخ دهد؛ زیرا اگر رئیس جمهور سؤال نمایندگان مجلس را بدون پاسخ گذارد، مجلس ممکن است سراغ اصل ۸۹ قانون اساسی رفته و استیضاح رئیس جمهور را دستور کار خود قرار دهد. از سوی دیگر رئیس جمهور باید برای پاسخ دادن به سسؤالات نمایندگان در مجلس شورای اسلامی حاضر شود و احیاناً ارسال پاسخ به مجلس کافی و مجاز نیست، بلکه شخصاً باید در مجلس برای پاسخگویی حاضر شود. برابر ماده ۲۱۱ آیین نامه داخلی مجلس در صورتی که حداقل یک چهارم کل نمایندگان بخوانند درباره یکی از وظائف رئیس جمهور سؤال کنند باید سؤال خود را به طور صریح، روشن و مختصر و همگی با امضاء در اختیار رئیس مجلس قرار دهند. رئیس مجلس نیز موضوع را به کمیسیون تخصصی مربوطه ارجاع می کند. کمیسیون وظیفه دارد حداکثر ظرف یک هفته یا حضور نماینده معرفی شده رئیس جمهور و نماینده منتخب سؤال کنندگان تشکیل جلسه دهد که در این جلسه نماینده رئیس جمهور پاسخ را از طرف رئیس جمهور ارائه می کند.

بعد از گذشت یک هفته اگر هنوز حداقل یک چهارم نمایندگان کل مجلس که طرح سؤال از رئیس جمهور را امضا کردند از سؤال خود منصرف نشده باشند، رئیس مجلس وظیفه دارد در اولین جلسه سؤال آنها را فراتر و سریع‌تر برای رئیس جمهور ارسال کند. این سؤال ظرف ۴۸ ساعت تکثیر و در دسترس نمایندگان قرار خواهد گرفت. در تبصره یک این ماده آمده که تعداد سؤالات نباید از پنج سؤال بیشتر باشد و در تبصره ۲ آن نیز ذکر شده که پس از ارسال سؤال یا سؤالات برای رئیس جمهور، کاهش امضاها سبب خروج سؤال یا سؤالات از دستور نمی شود. در ماده ۲۱۳ آیین نامه داخلی مجلس نیز آمده که رئیس جمهور موظف است، ظرف مدت یک ماه از تاریخ دریافت سؤال در جلسه علنی مجلس حضور یافته و به سؤال مورد نظر نمایندگان پاسخ دهد مگر اینکه عذری داشته باشد که مجلس، موجه بودن آن را تشخیص دهد. مدت طرح سؤال یا سؤالات از طرف نمایندگان منتخب، سؤال کنندگان حداکثر ۳۰ دقیقه و مدت پاسخ رئیس جمهور، حداکثر یک ساعت است که طرفین می توانند وقت خود را به دو بخش تقسیم کنند که در این صورت همه سؤالات و پاسخ ها در بخش اول وقت هر یک از دو طرف بیان می شود. در بخش دوم ابهامات سؤال کنندگان و پاسخ های رئیس جمهور مطرح خواهد شد. در تبصره این ماده آمده که پس از این مرحله، درباره پاسخ رئیس جمهور به هر یک از سؤالات از نظر قانع کننده بودن به صورت جداگانه رأی گیری می شود. در نهایت چنانچه اکثریت نمایندگان حاضر در جلسه از پاسخ رئیس جمهور به سؤالی قانع نشده باشند و موضوع سؤال، نقض قانون و یا استنکاف از قانون محسوب شود، آن سؤال به قوه قضائیه ارسال می شود.

ذخایر گاز و تیل نیروگاه ها نصف شد

بالا دما روند مصرف گازوئیل برای تولید برق تا کمتر از یک ماه آینده سطح ذخایر گازوئیل نیروگاه ها به حدی پایین می آید که شاهد تکرار خاموشی های روزانه در فصل سرد سال خواهیم بود؛ مگر آنکه وزارت نفت و نیرو، برای این رخداد محتمل، از امروز چاره اندیشی کنند.

حدود ۱۰ روزی است که سرما در کشور فراگیر شده و یک هفته پیش از شروع زمستان، سرمای زمستانی در اغلب نقاط ایران با بارش های پاییزی پایان آذرماه، دامن گستراند. در روز سی ام آذرماه رکورد عجیب مصرف ۶۷۲ میلیون مترمکعب گاز در بخش خانگی، تجاری و صنایع جزء ثبت شد و از مجموع ۸۵۰ میلیون مترمکعب گاز تحوولی به شبکه برای تمامی مصارف دیگر از جمله نیروگاه ها، پتروشیمی ها، صنایع، گلخانه ها و... فقط کمتر از ۱۸۰ میلیون مترمکعب باقی ماند.

با رشد عجیب مصرف گاز در بخش خانگی و تجاری، گاز رسانی به سایر بخش ها از جمله نیروگاه ها بسیار محدود شده و حتی آنچه برآورده شده بود، به نیروگاه ها در روزهای اخیر تحویل نشده؛ از این رو، مصرف گازوئیل نیروگاهی به اوج رسیده است.

در دور روز ابتدایی زمستان (اول و دوم دی ماه) روزانه به طور متوسط ۷۵ میلیون مترمکعب گاز به نیروگاه ها تحویل شده، مصرف مازوت هم با رکورد شکنی بین ۴۰ تا ۵۵ میلیون لیتر بوده و فاصله سوخت معادل مورد نیاز ۲۳۰ میلیون مترمکعبی نیروگاه ها با این ۱۲۰ میلیون لیتر (مجموع مصرف گاز و مازوت) با مصرف گازوئیل پوشش داده شده، یعنی حدود ۱۱۰ تا ۱۱۰۰ میلیون لیتر در روز گازوئیل در نیروگاه ها در حال مصرف است تا برق زمستانی کشور تأمین شود. بررسی آمار مصرف سوخت نیروگاهی در آذرماه هم نشان می دهد که متوسط مصرف روزانه گازوئیل نیروگاهی در فاصله زمانی ۱۳ تا ۲۰ آذرماه به رکورد عجیب ۱۲۱ میلیون لیتر در روز رسیده است. اینکه هنوز به نقطه ای نرسیده ایم که مثل آبان سال گذشته که خاموشی های زمستانه از میانه پاییز شروع شد، با قطع دوساعته برق در روزهای سرد سال مواجه شویم، به لطف ذخیره سازی مطلوب گازوئیل در مخازن نیروگاه ها در مهرماه امسال است که برای نخستین بار در مهرماه بیش از ۳۵ میلیارد لیتر گازوئیل برای سوخت زمستانه نیروگاه ها ذخیره سازی شد.



نامه نمایندگان به پزشکیان و قالیباف درباره افزایش حقوق ها

نماینده مشهد در مجلس از نامه ۱۷۱ نماینده به سران قوای مجریه و مقننه برای افزایش حقوق ها طبق تورم در سال آینده خبرداد.

میثم ظهوریان عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، از ارسال نامه ۱۷۱ نماینده مجلس شورای اسلامی خطاب به مسعود پزشکیان رئیس جمهور و محمداق قالیباف رئیس مجلس درباره افزایش حقوق ها متناسب با تورم در سال ۱۴۰۵ خبرداد.

متن این نامه به شرح زیر است:

ریاست محترم جمهور: جناب آقای دکتر پزشکیان ریاست محترم مجلس شورای اسلامی؛ جناب آقای دکتر قالیباف موضوع: ضرورت تصمیم ملی برای افزایش تناسب سطح حقوق کارکنان و کارگران در سال ۱۴۰۵ حداقل به میزان تورم

با سلام و احترام.

همان گونه که مستحضرید، مطابق ماده ۴۱ قانون کار، شورای عالی کار همه ساله می بایست میزان حداقل مزد کارگران را با توجه به نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی و با لحاظ حداقل معیشت خانوار کارگری تعیین و اعلام نماید. همچنین ماده ۱۲۵ قانون خدمات کشوری نیز دولت را مکلف به افزایش ضریب ریالی سالیانه حقوق کارکنان دولت حداقل به میزان نرخ تورم بانک مرکزی می کند. متأسفانه در چند سال اخیر (و به طور ویژه بعد از سال ۱۳۹۶) در اتخاذ تصمیمات مربوط به حقوق و دستمزد چه در لایحه سالیانه بودجه و چه در شورای عالی کار برخلاف این تکالیف قانونی عمل شده است که نتیجه این موضوع کاهش قابل توجه قدرت خرید طبقه حقوق بگیر بوده است.

اصرار بر سرکوب دستمزد طبقات حقوق بگیر که حدوداً نیمی از خانوارهای کشور را تشکیل می دهند آن هم با استناد به نظریات تاریخ مصرف گذشته و بی اعتباری مانند مارپیچ دستمزد و تورم و بی توجهی به تبعات و چرخه شوم حاصل از کاهش قدرت خرید این افراد (کاهش تقاضای مصرفی مؤثر، رکود در تولید، کاهش رشد اقتصادی، کاهش اشتغال و افزایش فساد در سیستم اداری) که در ادبیات روز اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است، نشان از فقدان پشتوانه علمی رفتارهای ضد مردمی سازمان برنامه و بودجه دارد. اصرار سازمان برنامه بر درج عدد ۲۰ درصد به عنوان مبنای افزایش حقوق همه ساله ابدون توجه به سایر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله نرخ تورم که به بیش از ۵۰ درصد رسیده است، اقدامی بی مبنا است که با هیچ نظریه اقتصادی علمی سازگار نیست. وضعیت دستمزد طبقه حقوق بگیر جامعه به مرحله کشش ناپذیر رسیده است به گونه ای که کاهش مجدد قدرت واقعی این طبقات (آن گونه که در لایحه بودجه ۱۴۰۵ پیش بینی شده) در کنار رشد قابل توجه هزینه های زندگی و فاصله معادار میان میزان حقوق و هزینه های حداقلی زندگی بیم بحران های اجتماعی و امنیتی را فزونی می کند و سازمان برنامه و تمام افراد مؤثر در چنین تصمیمات ضد مردمی باید پاسخگوئی تبعات بحران های احتمالی حاصل از استمرار این روند اشتباه باشند. ضرورت افزایش دستمزد کارگران و کارمندان به میزان تورم از جمله وعده های انتخاباتی هردو نفر ما بزرگواران بوده است و انتظار این است حال که در جایگاه تصمیم گیر نسبت به این موضوع قرار دارید در جهت تحقق شعارهای مذکور اقدام مؤثر انجام دهید تا این تلقی ایجاد نشود که نسبتی بین آنچه مسئولین در مقام نامزد انتخابات وعده می دهند با تصمیمی که در مقام عمل می گیرند، وجود ندارد.

بر این اساس ما نمایندگان مردم در خانه ملت لازم می دانیم در فرآیند تهیه و تصویب بودجه ۱۴۰۵ پیش بینی لازم برای افزایش حقوق کارکنان دولت بر اساس دو شاخص افزایش حداقل به میزان تورم و کف حقوق تأمین کننده حداقل معیشت خانوار انجام شود و با تعمیم تصمیم مذکور به حقوق کارگران و بازنشستگان بخشی از مشکلات معیشتی این بخش مهم از جامعه جبران گردد.

توقف مسدودسازی کارت های بازرگانی اجاره ای تصمیم درستی بود؟

مسدودسازی کارت های بازرگانی اجاره ای فاقد رتبه بندی، اقدامی ضروری و دیر هنگام برای اصلاح سازوکار بازگشت ارزهای صادراتی بود که گام نهایی آن در شرایط التهاب ارزی اجرا شد. اگرچه زمان بندی این سیاست محل نقد است، اما توقف و عقب نشینی از آن نه تنها اهداف بلندمدت سیاست گذار را تضعیف می کند، بلکه هزینه اصلاحات بعدی را افزایش می دهد و اقتدار سیاست گذاری اقتصادی را نیز با چالش مواجه می سازد. یکی از چالش های مزمن اقتصاد ایران در سال های اخیر، ضعف در سازوکار بازگشت ارزهای صادراتی به مبادی رسمی و گسترش رفتارهای غیرشفاف در تجارت خارجی بوده است. در این میان، کارت های بازرگانی اجاره ای فاقد رتبه بندی به یکی از مهم ترین گلوگاه های نهادی تبدیل شده اند؛ ابزاری که عملاً امکان رصد پذیری جریان صادرات، تعهدات ارزی و مسئولیت پذیری صادرکنندگان را تضعیف کرده و زمینه سوءاستفاده گسترده را فراهم آورده است.

مضرات کارت های بازرگانی اجاره ای برای تجارت خارجی استفاده از کارت های اجاره ای باعث شده بخش قابل توجهی از صادرات کشور توسط افرادی انجام شود که نه اهلیت حرفه ای دارند، نه سابقه مشخص تجاری و نه تعهدی نسبت به بازگشت ارز. در چنین ساختاری، صادرکننده واقعی عملاً در سایه باقی می ماند و مسئولیت عدم ایفای تعهدات ارزی نیز متوجه دارنده اسمی کارت می شود؛ فردی که در بسیاری موارد توان، انگیزه یا امکان بازگرداندن ارز را ندارد. نتیجه این وضعیت، کاهش بازگشت ارز به کانال های رسمی، تقویت بازار غیررسمی و افزایش هزینه مدیریت بازار ارز برای سیاست گذار بوده است.

با وجود آنکه این معضل سال هاست شناسایی شده و بارها از سوی بانک مرکزی، وزارت صنعت معدن و تجارت و سازمان توسعه تجارت مورد تأکید قرار گرفته، اقدام عملی برای اصلاح آن با تأخیر قابل توجهی مواجه بوده است. در ماه های گذشته، سرانجام مجموعه ای از ضوابط شامل رتبه بندی کارت های بازرگانی، محدودیت سقف صادرات، توجه به سابقه فعالیت و مسدودسازی کارت های فاقد اعتبار اجرایی شد. این اقدام، هرچند دیر هنگام، اما گامی ضروری در جهت اصلاح رویه نادرست و پرهزینه تلقی می شد.

نکته مهم آن است که به تعویق انداختن اصلاحات ساختاری، معمولاً اجراء آن ها را پرهزینه تر می کند. اگر مسدودسازی کارت های بازرگانی اجاره ای در دوره ای با ثبات نسبی بازار ارز اجرا می شد، آثار کوتاه مدت آن، از جمله کاهش موقت عرضه ارز صادراتی، قابل پیش بینی و مدیریت بود. اما تعلل در تصمیم گیری باعث شد گام نهایی این سیاست دقیقاً در مقطعی به اجرا درآید که بازار ارز با جهش نرخ در بازار غیررسمی و حساسیت بالای انتظارات مواجه بود.

با افزایش مداوم قیمت مسکن و کاهش قدرت

پس انداز، ایده « خرید متری مسکن » به عنوان راهکاری نو برای خانه دار شدن مطرح شده است. این ایده می تواند مسیر پس انداز خانواده های کم درآمد تا خانه دار شدن را اصلاح کند. اما در صورت بی توجهی به مخاطرات، این طرح خطر تشدید پدیده «سرمایه ای شدن مسکن» و افزایش فشار قیمتی را نیز به همراه دارد. اگر طراحی این سازوکار به گونه ای باشد که ورود سرمایه های بزرگ و کوتاه مدت را تسهیل کند، عملاً همان مسیری را می رود که بازار مسکن در سال های گذشته طی کرده است؛ با این تفاوت که این بار، ابزار آن پیچیده تر و دسترسی به آن گسترده تر خواهد بود.

به گزارش مسیر اقتصاد، مسکن سال هاست به یکی از پرهزینه ترین اقالم سبد خانوار، به ویژه در شهرهای بزرگ و به خصوص تهران تبدیل شده است. رشد مداوم قیمت ها در کنار کاهش قدرت خرید، باعث شده فاصله میان درآمد خانوار و قیمت یک واحد مسکونی هر روز بیشتر شود. در چنین شرایطی، «پس انداز برای خرید خانه» که زمانی یکی از مسیرهای اصلی خانه دار شدن طبقه متوسط بود، عملاً کارکرد خود را از دست داده است. حتی خانوارهایی که موفق به کنار گذاشتن بخشی از درآمد خود می شوند، با یک واقعیت تلخ روبرو هستند: تورم مزمن و افت ارزش پول، قدرت خرید این پس انداز را به مرور کاهش می دهد. به بیان ساده، پولی که امروز برای خرید چند متر خانه کافی است، ممکن است چند سال بعد حتی کفاف نصف آن را هم ندهد. همین مسئله، زمینه ساز طرح ایده هایی تازه برای حفظ ارزش پس انداز و اتصال آن به بازار مسکن شده است.

بانک ها پشت پرده گرانی مسکن

نایب رئیس دوم اتحادیه املاک گفت: بانک ها

با در اختیار داشتن املاک گسترده و پلتفرم های آنلاین با قیمت های توهمی، بازار مسکن را هدایت می کنند و افزایش قیمت ها پنهان اتفاق می افتد. سمانه محرمی، نایب رئیس دوم اتحادیه مشاوران املاک درباره وضعیت فعلی بازار مسکن تهران اظهار کرد: بانک ها در بازار مسکن نقش دارند اما این نقش شفاف نیست و همین موضوع می تواند خطرناک باشد، املاک تبلیکی، پروژه ها و زمین ها با حجم گسترده در اختیار بانک ها قرار گرفته است.

وی افزود: این حجم از دارایی می تواند به شکل مستقیم بر قیمت ها اثر گذار باشد و هر حرکت بانک ها چه بزرگنمایی و چه پنهان کاری، بازار را تحت تأثیر قرار می دهد. یکی از بازیگران پنهان قیمت گذاری ملک، بانک ها هستند. آن ها با در اختیار داشتن حجم عظیمی از املاک در سطح شهر، می توانند قیمت ها را کنترل و هدایت کنند.

سوداگران پنهان مسکن؛ بانک ها چگونه قیمت ها را هدایت می کنند؟

محرمی بیان کرد: اگر بانک ها مزایده ای برگزار کنند، قیمت پایه ای را تعیین می کنند که حتی یک افزایش کوچک می تواند قیمت کل منطقه را بالا ببرد. نقش بانک ها در این حوزه نباید نادیده گرفته شود. بانک هایی که در زمینه خرید و فروش املاک فعالیت می کنند، به نوعی بنگاه داری می کنند. وی ادامه داد: وقتی بانکی ملکی را خریداری می کند، معمولاً بر اساس قیمت کارشناسی است، اما قیمت های کارشناسی چند درصد پایین تر از قیمت واقعی است و با فروش آن به قیمت بالاتر، مصداق واضح سوداگری شکل می گیرد. این شیوه باعث می شود افزایش قیمت در بازار مسکن به صورت لایه ای و پنهان رخ دهد و اثر واقعی آن در سطح عمومی بازار نمایان شود.

«خرید متری مسکن» راه هموار سازی پس انداز تا خانه دار شدن

در این فضا، ایده «خرید متری مسکن» مطرح می شود؛ ایده ای که بر اساس آن، افراد می توانند به جای خرید یک واحد کامل، به صورت تدریجی و حتی در مقیاس یک مترمربع در پروژه های مسکونی سرمایه گذاری کنند. این روش که نمونه هایی از آن در برخی کشورها نیز تجربه شده، وعده می دهد پس اندازهای خرد را به جای حرکت به سمت بازارهای غیرمولد یا سفته بازی، مستقیماً به مسیر تأمین مسکن هدایت کند.

در نگاه نخست، این ایده جذاب و حتی متصفانه به نظر می رسد. فردی که توان خرید یک خانه را ندارد، می تواند متناسب با درآمد خود، به تدریج سهمی از یک واحد مسکونی را مالک شود. از این منظر، خرید متری مسکن تلاشی است برای هم راستا کردن نفع شخصی خانواده های کم درآمد با یک هدف اجتماعی بزرگ تر: کاهش فاصله میان مردم و بازار مسکن و هدایت پس اندازها به سمت یک نیاز واقعی.

مسکن به کالای سرمایه ای تبدیل شده است

اما مسئله مسکن در ایران، تنها «کمبود ابزار مالی» نیست. بازار مسکن طی دهه های گذشته به تدریج از یک کالای مصرفی به یک دارایی سرمایه ای تبدیل شده است. بخش قابل توجهی از تقاضای موجود در این بازار، نه برای سکونت، بلکه با انگیزه حفظ ارزش پول یا کسب سود شکل می گیرد. همین تغییر ماهیت، یکی از عوامل اصلی رشد قیمت مسکن فراتر از نرخ تورم عمومی بوده است. در چنین بازاری، هر ابزار جدیدی که وارد می شود، ناگزیر تحت تأثیر همین منطق قرار می گیرد. خرید متری مسکن نیز از این قاعده مستثنی نیست. اگرچه هدف اولیه آن می تواند کمک به خانه دار شدن باشد، اما در عمل این خطر وجود دارد که به بستری تازه برای ورود سرمایه های سوداگرانه تبدیل شود. سرمایه هایی که نه به قصد تأمین سرپناه، بلکه برای خرید، نگهداری و فروش با قیمت بالاتر وارد بازار می شوند.

چه سرمایه هایی وارد می شوند؟

تفاوت میان «پس انداز برای مصرف» و «سرمایه گذاری برای سود» در بازار مسکن، تفاوتی تعیین کننده است. اگر خرید متری مسکن تنها به ابزاری برای حفظ ارزش پول تبدیل شود، نتیجه آن افزایش تقاضای غیرمصرفی خواهد بود. این تقاضا، حتی اگر از سوی افراد خرد شکل بگیرد، در نهایت به فشار بیشتر بر قیمت ها منجر می شود؛ فشاری که بیش از این منظر، پرسش اصلی این نیست که آیا خرید متری مسکن ایده خوبی است یا بد. پرسش اصلی این است که این ایده در چه بستری اجرا می شود و چه گروه هایی را جذب می کند. اگر طراحی این سازوکار به گونه ای باشد که ورود سرمایه های بزرگ و کوتاه مدت را تسهیل کند، عملاً همان مسیری را می رود که بازار مسکن در سال های گذشته طی کرده است؛ با این تفاوت که این بار، ابزار آن پیچیده تر و دسترسی به آن گسترده تر خواهد بود.

خطر بزرگ تحریک سوداگری و سفته بازی در بازار مسکن

نکته مهم دیگر، نقش انتظارات در بازار مسکن است. وقتی افراد بتوانند به راحتی «متر مسکن» بخرند و بفروشند، قیمت مسکن بیش از گذشته به تحولات انتظاری و روانی بازار گره می خورد. این وضعیت می تواند مسکن را بیش از پیش به یک دارایی مالی شبیه کند؛ دارایی ای که نوسان آن لزوماً ربطی به عرضه



خرید متری مسکن و دوراه پیش رو

واقعی یا نیاز سکوتی ندارد.

در عین حال، نمی توان اصل ایده را به کلی کنار گذاشت. واقعیت این است که بدون ابزارهای جدید، امکان پس انداز مؤثر برای خرید مسکن برای بخش بزرگی از جامعه وجود ندارد. خرید متری، اگر به درستی طراحی شود، می تواند بخشی از این خلأ را پر کند. اما شرط آن، توجه جدی به مخاطراتی است که نادیده گرفتن آن ها، می تواند نتیجه ای معکوس به همراه داشته باشد.

به بیان دیگر، خرید متری مسکن در نقطه تلاقی دو مسیر قرار دارد: مسیری که به اصلاح شیوه پس انداز و نزدیک تر شدن خانوارها به خانه دار شدن منجر می شود و مسیری که بازار مسکن را بیش از پیش در معرض هجوم سرمایه های سوداگرانه قرار می دهد. اینکه کدام مسیر غالب شود، نه به خود ایده، بلکه به نحوه اجرا، قواعد حاکم بر آن و اهدافی که در عمل دنبال می شود، بستگی دارد.

همین دوگانه، خرید متری مسکن را به مسئله ای سیاسی تبدیل می کند؛ مسئله ای که نمی توان آن را تنها با نگاه مالی یا فناوریانه بررسی کرد. اگر این ابزار قرار است به بخشی از راه حل بحران مسکن تبدیل شود، باید از ابتدا نسبت آن با سرمایه ای شدن مسکن، رفتار سوداگرانه و انتظارات قیمتی روشن شود. در غیر این صورت، ایده ای که با نیت کمک به خانه دار شدن مطرح شده، ممکن است خود به عاملی برای دورتر شدن این هدف تبدیل شود.

تورم مزمن و افت ارزش پول، قدرت خرید این پس انداز را به مرور کاهش می دهد. به بیان ساده، پولی که امروز برای خرید چند متر خانه کافی است، ممکن است چند سال بعد حتی کفاف نصف آن را هم ندهد. همین مسئله، زمینه ساز طرح ایده هایی تازه برای حفظ ارزش پس انداز و اتصال آن به بازار مسکن شده است

دقیق بر پلتفرم های آنلاین، قیمت های توهمی ادامه خواهد یافت و بازار مسکن همچنان تحت فشار خواهد بود.

کنترل قیمت ها زیر نظر اتحادیه املاک ضروری است نایب رئیس دوم اتحادیه مشاوران املاک درباره نقش مشاوران املاک در مدیریت بازار مسکن گفت: توصیه من به مشاوران برای استفاده از پلتفرم ها این است که نگهبان بازار باشند. مشاوران املاک تنها کسانی هستند که می توانند نظر کارشناسی درباره ملک ارائه دهند و این نقش باید تحت نظارت اتحادیه انجام شود.

وی ادامه داد: اگر قیمت ها در پلتفرم ها بر اساس کارشناسی مشاوران املاک و قیمت های حساب شده تنظیم شود، بهترین شرایط برای شفافیت و کنترل بازار فراهم می شود.

حق الزحمه مشاوران املاک سال هاست که ثابت مانده است

محرمی با اشاره به فشارهای موجود بر مشاوران املاک اظهار کرد: امروز مشاوران با بالاترین هزینه ها کار می کنند؛ هزینه پلتفرم ها، اجاره دفاتر و تبلیغات را دارند، اما حق الزحمه آن ها سال هاست که ثابت مانده است. این فشار سنگین بر شانه کسانی است ایجاد می کنند. پیش تر میانگین قیمت واقعی در منطقه ای مشخص در تهران به عنوان مرجع وجود داشت، اما اکنون دسترسی به قیمت های واقعی تقریباً غیرممکن شده است. قیمت هایی که در پلتفرم ها درج می شوند، توسط غیر کارشناسان تعیین می شوند و اثر چشم و هم چشمی باعث افزایش مصنوعی قیمت ها می شود.

وی افزود: این روند موجب تأثیر مستقیم بر قیمت مسکن در کل کشور شده و آگاهی مردم از قیمت واقعی را مختل می کند. بدون شفافیت و نظارت



حدود ۱۷۰ هزار تومان و در منطقه ۳ حدود ۴۰۰ هزار تومان. این اختلاف، هیچ توجیه کارشناسی ندارد و صرفاً مشاوران املاک و پلتفرم ها را شریک کمیسیون می کند. محرمی خاطرنشان کرد: آگهی های آنلاین با قیمت سازی و قیمت های توهمی، مشکلات فراوانی ایجاد می کنند. پیش تر میانگین قیمت واقعی در منطقه ای مشخص در تهران به عنوان مرجع وجود داشت، اما اکنون دسترسی به قیمت های واقعی تقریباً غیرممکن شده است. قیمت هایی که در پلتفرم ها درج می شوند، توسط غیر کارشناسان تعیین می شوند و اثر چشم و هم چشمی باعث افزایش مصنوعی قیمت ها می شود.

وی افزود: این روند موجب تأثیر مستقیم بر قیمت مسکن در کل کشور شده و آگاهی مردم از قیمت واقعی را مختل می کند. بدون شفافیت و نظارت

خانه های مشابه، اجزای کوچکی از ملک خود را به قیمت کلی اضافه می کنند. این شیوه باعث می شود آگهی های تکراری، فایل های ساختگی و قیمت های بی پایه ایجاد شود و در نتیجه، قیمت ها در پلتفرم ها افزایش پیدا کنند. این افزایش قیمت، انتظارات مردم را تحت تأثیر قرار می دهد و فشار واقعی به بازار وارد می کند.

نایب رئیس دوم اتحادیه املاک ادامه داد: بازار مسکن نمی تواند تنها با آگهی های آنلاین اداره شود. معاملات واقعی و مورد تأیید، همراه با نظارت و راستی آزمایی، اساس قیمت گذاری صحیح را شکل می دهند.

این مقام صنفی یادآور شد: به عنوان مثال، یک پلتفرم آگهی آنلاین در سال گذشته سه بار افزایش قیمت به بهانه های واهی داشت. همچنین، قیمت ثبت آگهی در مناطق مختلف شهر تهران متفاوت است؛ در منطقه یک حدود ۵۰۰ هزار تومان، در منطقه ۱۸